

## نقد زیست‌بوم‌گرایانه داستان «شهر کوچک ما» از احمد محمود

سیده فاطمه امینی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

Sf.amini1392@gmail.com

دکتر عبدالله آلوغیش

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

ghobeishi@atu.ac.ir

### چکیده

یکی از شاخه‌های نقد ادبی، نقد زیست‌بوم‌گراست که به تحلیل رابطه‌ی ادبیات و محیط زیست می‌پردازد. در نقد زیست‌بوم‌گرا نوع رابطه‌ی انسان با محیط زیست در آینه‌ی ادبیات مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در این راستا پژوهش حاضر بر آن است با توجه به روش تحقیق کیفی و به طور مشخص با تکیه بر رویکرد توصیفی و تحلیلی، داستان کوتاهی از احمد محمود به نام «شهر کوچک ما» را مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد. بر اساس پژوهش حاضر محیط زیست به شیوه‌های گوناگون در شکل دادن به متن داستان مؤثر بوده است. احمد محمود در قسمت‌هایی از این داستان جهان حیوانات را به مثابه‌ی جهان انسان‌ها در نظر می‌گیرد و گویی انسان همسنگ با نشانه‌های طبیعت است. او در بخش‌هایی از داستان نیز به پیوند ناگسستنی بین مسائل انسانی و محیط زیستی اشاره می‌کند و بنابراین مباحث اکوفنیسم و بحران‌های زیستی بخش قابل توجهی از داستان را در بر می‌گیرد. همچنین نشانه‌های زمینه‌ی داستان، بیانگر میزان بهره‌گیری احمد محمود از زمینه در زبان، شخصیت پردازی و صورخیال در پیشبرد روند داستان است.

کلیدواژه‌ها: نقد زیست‌بوم‌گرا، احمد محمود، اخلاق محیط زیستی، اکوفنیسم.

### ۱- مقدمه

پژوهشگران در فرآیند تحقیق و مطالعه درباره آثار ادبی از رویکردهای متنوع و گوناگونی بهره برده‌اند. گاه، متناسب با تفکرات خویش به محتوای ادبیات پرداخته‌اند و جوانب فلسفی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی آثار ادبی را مطالعه کرده‌اند؛ گاهی نیز، به فرم و شکل و ساختار آثار توجه کرده‌اند و موضوع، فرم یا ساختار را بنیان و اساس تحقیقات خویش قرار داده‌اند. این رویکردها که بسیار فراوان و متعدد نیز هستند، به طور گسترده‌ای درباره آثار داستانی یا شعری فارسی به کار بسته شده‌اند. با وجود این، برخی از جوانب نقد متون ادبی به دلایل گوناگون کمتر مورد توجه بوده‌اند. شاید بتوان نقد زیست‌بوم‌گرا را در این مجموعه از انواع نقد قرار داد. این نوع نقد که با نام‌های مختلفی همچون نقد زیست‌بوم‌گرا، نقد زیست محیطی یا مطالعات سبز شناخته می‌شود، به بررسی ارتباط میان ادبیات و محیط زیست می‌پردازد.

به طور کلی، حاکمیت دیدگاه‌های انسان محور بر بیشتر مفاهیم و قوانین اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، موجب بی‌توجهی بیشتر انسان به طبیعت و سایر موجودات شد و انسان فراموش کرده است که حتی برای ادامه‌ی بقای خود باید حقوقی را برای زمین و سایر موجودات و به طور عام طبیعت، قائل شود. در این میان نهضت‌های سبز و مطالعات بینارشته‌ای زیست محیطی شکل گرفته‌اند تا نقش پررنگ طبیعت را در زندگی انسان‌های متمدن که درگیر پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی بودند متذکر شوند.

منتقدان ادبی در حوزه‌ی نقد زیست‌بوم‌گرا به دنبال کشف یک شیوه و چارچوب ثابت برای توجه و پرداختن به طبیعت نیستند؛ در واقع برخلاف منتقدان سایر رویکردها، از دریچه‌های خاص به ادبیات نگاه نمی‌کنند، نگاه‌های آنان به طبیعت متنوع است، نگاه‌هایی که از تنوع فرهنگی و اقلیمی سرچشمه می‌گیرند و در ادبیات ملل مختلف تجلی پیدا می‌کنند.

در میان نویسندگان ایرانی می‌توان احمد محمود را به عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک در عرصه ادبیات داستانی ایران در نظر گرفت. در پژوهش حاضر برآنیم با تکیه بر نقد زیست بوم‌گرا داستان «شهر کوچک ما» از احمد محمود را واکاوی نماییم.

## ۱-۱ پرسش‌ها و روش پژوهش

۱. محیط زیست احمد محمود چگونه بر تشبیهات و نمادهای موجود در داستان تاثیر دارد؟
۲. نویسنده در این اثر چه توجیهات اخلاقی برای آسیب نرساندن به حیوانات دارد و دیدگاه او در این داستان با کدام یک از نظریه‌ها در حوزه ی اخلاق زیست محیطی قابل انطباق است؟
۳. چه نوع رابطه‌ای را می‌توان میان محیط زیست و پیرنگ داستان یافت؟ آیا این رابطه می‌تواند در آن سطح باشد که در شکل دادن به پیرنگ داستان اثرگذار باشد یا اینکه محیط زیست در این رابطه ایجاد شده نقشی کمرنگ داشته است؟

در این پژوهش، داده‌ها بر اساس روش استنادی - تاریخی گردآوری شده‌اند و از منابع مکتوب از قبیل مقاله‌های منتشر شده در نشریات علمی و دانشگاهی و نیز آثار تالیفی و ترجمه شده در حوزه نقد زیست بوم‌گرا استفاده خواهد شد و در تحلیل داده‌ها با توجه به نظریات مطرح در حیطه‌ی نقد زیست بوم‌گرایانه پیش خواهیم رفت.

## ۲. بنیان نظری پژوهش

نقد زیست‌بوم‌گرا<sup>۱</sup> را اولین بار ویلیام روئکرت<sup>۲</sup> در سال (۱۹۷۸) در مقاله‌ای با عنوان (ادبیات و بوم‌شناسی: آزمایشی در نقد بوم‌گرا<sup>۳</sup>) به کار برد. منظور روئکرت از نقد بوم‌گرا کاربرد بوم‌شناسی و مفاهیم بوم‌شناسی در مطالعه‌ی ادبیات بود. این نقد «در مرحله اول، به صورت ویژه، مورد توجه منتقدین آمریکایی بود که صرفاً با ادبیات آمریکایی سروکار داشتند. اکولوژیک‌ها که سرسختانه طرفدار نظریه‌ی خود بودند و سعی در اثبات نتایج آن داشتند، انجمن خود - ASLE - (انجمن مطالعات ادبیات و محیط زیست<sup>۴</sup>) و مجله خود - ISLE - (مطالعات میان رشته‌ای در ادبیات و محیط زیست<sup>۵</sup>) را تأسیس کردند. به طور کلی، نقد اکولوژیک به روابط ادبیات و محیط مربوط می‌شود و اینکه چگونه روابط انسان با محیط بیرونی‌اش در ادبیات منعکس می‌شود. آشکار است که این مباحث مربوط به مطالعات میان‌رشته‌ای است، و همچنین پیوندی غیرمعمول به عنوان ترکیبی از یک علم طبیعی و یک رشته انسانی.» (Tošić: 2006, 2-1)

پیوند محیط زیست و علوم انسانی بخشی از مجموعه‌ای جدید بین رشته‌ای را تشکیل می‌دهد که به نظر می‌رسد هنوز برخی از زوایای آن مطرح نشده و این امر نیازمند مطالعه و تحقیق بیشتر در این حوزه است. اما در دو دهه‌ی اخیر، برخی از اکولوژیک‌های فعال، دغدغه مند و آگاه در حوزه‌ی علوم انسانی راه حل‌های احتمالی برای تصحیح اوضاع زیست محیطی معاصر را مطرح کرده اند. «برای اکولوژیک‌های تطبیقی، ظهور علوم انسانی زیست محیطی زمینه مبادله‌ای بسیار غنی و متنوع را در کنار انسان‌شناسان، جغرافیدانان و مورخان گشوده است. طبقه بندی‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین کنوانسیون‌های فرهنگی برای ایجاد روابط متفاوت در مکان‌های مختلف فعالیت می‌کنند. اکولوژیک‌های پسااستعماری، توجه جدیدی به همگرایی بین ظلم ناشی از استعمار و تخریب اکولوژیک، توزیع نابرابر منابع و خطرات داشته اند.» (heise: 2017, 293)

به طور کلی می‌توان گفت که «نقد بوم‌گرا با بیان بدهکاری فرهنگ به طبیعت، کره خاکی را به یاد می‌آورد. منتقدان بوم‌گرا با اعتراف به نقش زبان در شکل دهی دیدگاه انسان‌ها نسبت به این جهان به دنبال بازگرداندن اهمیت به جهان خارج از متن هستند. به ویژه آنکه سعی می‌کنند تا جهان طبیعت مافوق بشر را دوباره ارزش گذاری کنند؛ جهانی که

<sup>1</sup> ecocriticism

<sup>2</sup> William Rueckert

<sup>3</sup> Literature and Ecology: An Experiment in Ecocriticism

<sup>4</sup> Association for the Study of Literature and Environment

<sup>5</sup> Interdisciplinary Studies in Literature and Environment

برخی متون و سنت‌های فرهنگی، ما را برای شرکت در آن فرا می‌خوانند. به این طریق نقد بوم‌گرا به پژوهش مطالعات سبز کمک بزرگی می‌کند که به گفته‌ی لورنس کوپ طبیعت را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از طبیعت دفاع کنند.» (ریگی، ۱۳۹۲: ۴۸)

نظریه نقد، تمایل دارد دنیای بیرون را برساخته‌ی زبان و اجتماع بداند که از قبل در داخل گفتمان به شکل متن در آمده است؛ اما نقد بوم‌گرا این عقیده نظری دیرینه را مورد تردید قرار می‌دهد و اعتقاد بنیادین به برساختگی را به آن شکل که جنبه‌ی مهمی از نظریه ادبی محسوب می‌شود را رد می‌کند.

### ۳. بحث و بررسی:

#### ۳-۱ خلاصه روایت

شهر کوچک ما داستان زندگی چند خانواده است که در همسایگی هم در کنار نخلستان‌هایی زندگی می‌کنند. با آغاز کار استخراج نفت و کشف چاه‌های نفتی، گویی چاه‌های نفت خوزستان دهان نفتی خود را باز می‌کنند و باعث دگرگونی‌های مخربی در زندگی مردم بومی می‌شوند و کم‌کم پای بیگانگان به این شهر باز می‌شود و برای گسترش فعالیت‌های نفتی خود نخل‌ها را قطع می‌کنند. و پس از آن اعلام می‌کنند که به زمین‌های بیشتری برای این کار نیاز دارند و تصمیم می‌گیرند تا خانه‌های مردم را نیز از بین ببرند. پدر راوی و دیگر ساکنان برای دفاع از خانه‌های خود و درگیری تن به تن با خارجیانی که قصد تخریب خانه‌های آنها را دارند در جلسه‌ای هم‌قسم می‌شوند اما با لو رفتن مجلس و دستگیری آن‌ها توسط مامورین دولت، تعهد می‌دهند که تا آخر هفته خانه‌های خود را خالی کنند. در صحنه آخر داستان، راوی همراه پدر خود در حال جمع کردن آخرین وسایل خانه است که همزمان بولدوزر دیوار خانه را خراب می‌کند و خانه کبوترهای راوی نیز خراب می‌شود. راوی در حال نگاه کردن به پرواز کبوترهاست و با بار سنگینی به دوش، از پدر عقب می‌ماند.

در این بخش به مسایل مطرح شده در داستان که مورد توجه نقد بوم‌گرا قرار می‌گیرد می‌پردازیم:

#### ۳-۲ اخلاق زیست‌محیطی - جانور محوری

ضرورت‌هایی که وجود «اخلاق زیست‌محیطی» را ایجاد کرد، شرایط بحرانی‌ای است که محیط زیست، طبیعت و زندگی را تحدید می‌کند. انسانها با آگاه شدن از وضعیتی که در آن قرار داشتند، کم‌کم به این نتیجه رسیدند که در خصوص نحوه‌ی تعاملشان با طبیعت و نیز رفتارهای صنعتی خود به قواعدی نیاز دارند. وظیفه اخلاق محیط زیست ایجاد اصولی است که بر روابط انسان با طبیعت حاکم باشد. اخلاق زیست محیطی دلایل نظام‌مند و جامعی را ارائه می‌کند از این‌که چرا باید روابط اخلاقی بین انسان‌ها و محیط زیست طبیعی وجود داشته باشد و می‌توان آنرا مطالعه‌ی رفتار درست و اشتباه درون یک محیط زیست مشخص، تعریف نمود. یکی از زیر مجموعه‌های اخلاق زیست محیطی جانورمحوریست. جانورمحوری و به عبارت بهتر اخلاق حیوانات، یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث در مبانی اخلاق زیست محیطی محسوب می‌شود. «رویکردهایی که پژوهشگران اخلاق در بحث از حیوانات و وظیفه اخلاقی ما در قبال آنها اتخاذ کرده‌اند را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان رویکرد تحلیلی، رویکرد پست مدرن، رویکرد پراگماتیستی و رویکرد الهیاتی دانست.» (جاهد، ۱۳۹۲: ۶۵) که هر کدام از این رویکردها نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرند. به عنوان مثال دیدگاه فایده‌گراانه پیترسینگر و دیدگاه وظیفه‌گراانه تام ریگان.

«تام ریگان استدلال می‌کند که استثمار نهادینه شده از غیر انسان‌ها از منظر حقوق اخلاقی غیر قابل قبول است. ریگان بدون ابهام و بدون تعارف استفاده از حیوانات برای غذا، شکار، به دام انداختن، آزمایش، آموزش و تحقیقات را محکوم می‌کند. ریگان معتقد است که انسان‌ها و غیر انسان‌ها افراد زنده و دارای ارزش ذاتی برابر هستند. و همچنین استدلال می‌کند که اصل احترام مستلزم این است که ما با افرادی که ارزش ذاتی دارند به شیوه‌هایی رفتار کنیم که به ارزش ذاتی آنها احترام بگذارند.» (Francione:2003، 6) اصل احترام ریگان تفاوت‌های نظری با مفهوم اخلاق حیوانات

بیان شده توسط امانوئل کانت دارد. «در فلسفه‌ی اخلاق کانت، فقط موجودات عاقل ارزش اخلاقی ذاتی دارند و حیوانات به دلیل اینکه موجودات عاقل و خودآگاه و قادر به درک قانون اخلاق نیستند شخص محسوب نمی‌شوند و چون در محدوده‌ی قلمرو اخلاق قرار نمی‌گیرند، هیچ حقی بر انسان‌ها ندارند.» (عابدی‌سروستانی و همکار، ۱۳۹۰: ۸۰) البته کانت معتقد است که انسان‌ها باید با حیوانات مهربان باشند زیرا به ما کمک می‌کند تا خصوصیات خوب را در خود پرورش دهیم. از این رو وظایف ما نسبت به حیوانات صرفاً وظایف غیر مستقیم ما نسبت به انسان‌های دیگر است. به عبارت دیگر ما نسبت به حیوانات وظایفی داریم زیرا ادای وظایف نسبت به حیوانات تمرینی برای انجام وظایف مشابه نسبت به انسان است.

اما نظریه سینگر مربوط به حقوق نیست زیرا سینگر اعتقاد ندارد حیوانات یا انسان‌ها از حق برخوردار هستند. در واقع، خود سینگر از نظریه خود به عنوان "آزادی حیوانات" یاد می‌کند و اظهار می‌دارد که ادعای حق "بی ربط" است. «از نظر سینگر، درستی یا نادرستی رفتار با عواقب تعیین می‌شود، و نه با توسل به حق. اگر نقض حق یک دارنده حق در یک مورد خاص عواقب مطلوبتری از رعایت این حق به همراه داشته باشد، سینگر متعهد به نقض حق است.» (Francione:2003, 3) ما در این داستان کوتاه از احمد محمود با برخوردهای متفاوت نسبت به حیوانات مواجهیم. حال با واکاوی در متن، تبیین خواهیم کرد که نویسنده در این اثر چه توجیهات اخلاقی برای آسیب نرساندن به حیوانات دارد و دیدگاه او در این داستان با کدام یک از نظریه‌ها در حوزه‌ی اخلاق زیست محیطی قابل انطباق است؟ دیدگاه فایده‌گروانه سینگر یا دیدگاه وظیفه‌گروانه ریگان.

در داستان شهرک کوچک ما رابطه انسان و حیوان و مراقبت از آن بیشتر بر اساس ارزش‌های ذاتی حیوان شکل گرفته است. در برخی از بخش‌های داستان به میزان دل‌بستگی راوی به کبوترها پی می‌بریم که این دل‌بستگی روحی و عاطفی بیشتر به دلیل ارزش ذاتی پرنده نزد اوست و نه سودمندی آنها که این مورد یاد آور مفهوم اکولوژی عمیق یا همان بوم‌شناسی ژرف است. «اکولوژی عمیق<sup>۱</sup> و فلسفه محیط زیست، حرکت اجتماعی مبتنی بر این عقیده هستند که انسان باید اساساً رابطه خود را با طبیعت تغییر دهد. ارزش طبیعت بخاطر ذاتی بودن آن است نه بخاطر سودمند بودن آن. این عبارت در سال (۱۹۷۲) با فیلسوف نروژی سرچشمه گرفت. آرن نئس<sup>۲</sup> به همراه محیط‌بانی آمریکایی به نام جورج سشنز<sup>۳</sup>، بستر هشت اصل سازماندهی برای جنبش اجتماعی اکولوژی عمیق را ایجاد کرد. اکولوژی عمیق با مطرح کردن ادعاهای فلسفی گسترده‌تر و اساسی‌تر درباره متافیزیک، معرفت‌شناسی و عدالت اجتماعی، خود را از سایر انواع محیط زیست متمایز می‌کند.» (Madsen:2016:1)

پدر راوی و دیگر ساکنان شهر کوچک، برای دفاع از خانه‌های خود و درگیری تن به تن با خارجی‌ان که قصد تخریب خانه‌های آنها را دارند در جلسه‌ای هم قسم میشوند. راوی نوجوان نیز در این جلسه حضور دارد و قسم می‌خورد. به نظر می‌رسد اولین دغدغه و نگرانی او از ویران شدن خانه، از بین رفتن کبوترخانه باشد: «که بند بند وجود من هم از قسم سرشار شد. اگر خانه‌ها مان را خراب می‌کردند، اگر کبوتر خانه ام خراب میشد؟... نه! دو روز بود که دم سفیدها) تخم گذاشته بودند و جفت (حبشی) پوشال می‌کشیدند و نر (خانی) سر تخم میزد و حالا تو فکر کبوترها بودم و تو فکر کبوتر خانه بودم...» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

شگردهای احمد محمود در داستان جهت ترغیب انسانها به رعایت اخلاق حیوانات بیشتر از جنس شگردهای احساسی و اقناعیست. احمد محمود با ایجاد هم‌حسی و همدلی و نزدیک کردن جهان انسان و حیوان به این پرسش پاسخ میدهد که در حوزه‌ی عملی علم اخلاق و لزوم رعایت حقوق حیوانات چه باید کرد؟ محمود با همانند کردن شرایط زیستی انسان و حیوان، جهان این دو موجود را نزدیک به هم نشان میدهد: «من رفتم سراغ کبوترهام. بوی فضله‌ی کبوترها با بوی رطوبت قاطی شده بود و تو کبوتر خانه گرم بود و ماده (حبشی)

<sup>1</sup> Deep ecology

<sup>2</sup> Arnie Naess

<sup>3</sup> George sessions

خوابیده بود. یقین تخم گذاشته بود. با سر چوب کوتاهی زدم به پرش که کنار رود، تا اگر تخم کرده است ببینم. کبوتر بالش را تکان داد و گردن کشید و پف کرد و با نوک کوتاهش به چوب حمله کرد. خصمانه حمله کرد.» (همان: ۱۱۸)

حمله کردن، دفاع کردن و به گفته ی احمد محمود خصمانه دفاع کردن از وطن، مرز، خانه و خانواده از ویژگی‌های انسان تحت هجوم و حمله ی دشمن است. حمله ی خصمانه ی کبوتر به عامل خارجی باعث درک دنیای او توسط مخاطب و بنابراین نزدیک شدن جهان حیوان و جهان انسان به هم شده است.

در ابتدای داستان احمد محمود می‌نویسد: «لندوک‌های لرزان گنجشک‌ها را که لانه‌هاشان متلاشی می‌شد، چپو کرده بودیم.... لندوک‌های لرزان را تو مشتمان فشرده بودیم و با حسرت نگاهشان کرده بودیم...» (همان: ۱۰۷)

محمود در این قسمت با توصیف زندگی گنجشک‌ها پس از ویرانی لانه‌هایشان توسط انسان‌ها، حس ترحم مخاطب را برمی‌انگیزد و باعث ایجاد هم‌حسی و همدلی می‌شود. این نکته را نیز باید در نظر داشت که جملات بالا در ابتدای متن داستان آمده اند و به نوعی، پیش درآمد داستان هستند و به طوری پیشگویانه پایان داستان را اعلام می‌کنند. به بیانی دیگر، لانه به مثابه شهر و خانه‌ی راوی و لندوک‌های لرزان گنجشک‌ها به مثابه اهل شهر کوچک او.

### ۳-۳ اکوفمینیسم

اکوفمینیسم به عنوان یک دیدگاه نظری سعی می‌کند که در برگرفته‌ی طیف وسیعی از دیدگاه‌ها در تبیین ارتباط زن، طبیعت و روابط مردسالارانه حاکم بر جامعه معاصر باشد. اصول موجود در اکوفمینیسم بیان می‌کند که سلطه ی مردان بر زنان منعکس کننده و تقویت کننده سلطه بر محیط توسط جامعه است. در حقیقت، به دلیل برخی تقابلهای دوگانه، ارتباطی بین زن و طبیعت وجود دارد که این ارتباط بین زنان و زمین را می‌توان به طریقی قدرتمند بازیابی کرد. «فمینیست‌ها چنین استدلال می‌کنند که جنبش‌های زیست محیطی و جنبش‌های فمینیسم تقویت کننده‌ی هم هستند و هر دو برای رسیدن به این هدف در پی توسعه جهانی و شیوه‌های عاری از تسلط مردان می‌باشند.» (میرشکار طویل، ۱۳۹۶: ۱۲۶)

نقد اکوفمینیسم به بررسی ارتباطات بین زن و طبیعت در فرهنگ، دین، ادبیات و... می‌پردازد و تشابهات بین ظلم به طبیعت و ظلم به زنان را بررسی می‌کند. به طور کلی رابطه‌ی زن و زمین را به عنوان اصلی مهم برای تحلیل در نظر می‌گیرد. اکوفمینیسم انواع مختلفی دارد؛ به عنوان مثال: اکوفمینیسم گیاهی، اکوفمینیسم ماتریالیستی، اکوفمینیسم معنوی، اکوفمینیسم فرهنگی و... (www.anjomantars.ir)

آنچه هر نوع از انواع اکوفمینیسم، به فمینیسم اضافه می‌کند اصرار بر ارتباط اکولوژی و محیط‌گرایی با فمینیسم است «در حالی که فمینیسم معاصر در ایجاد ارتباطات در میان انواع مختلف ستم انسانی (به عنوان مثال: تبعیض نژادی، نژادپرستی، طبقه‌گرایی، دگرجنس‌گرایی، قوم‌گرایی و...) پیشرفت کرده است، اما همه اقتصاد دانان اصرار دارند که باید تجزیه و تحلیل‌های فمینیستی گسترش یابد تا نشان دهد که چگونه سلطه غیرمجاز بر ماهیت غیرانسانی (یا "طبیعت‌گرایی") به تبعیض جنسی و دیگر انواع سلطه انسان مرتبط است. (Warren:2001, 2) تمام اکوفمینیست‌ها در مسئله اخلاق مراقبت از محیط که مبتنی بر کار و موقعیت اجتماعی زنان است توافق نظر دارند اما استراتژی آنها برای این موضوع متفاوت است. در این قسمت سعی خواهد شد تا با توجه به ظرفیت محدود این داستان در کاربست نقد اکوفمینیستی، ما بر اساس یک مسئله از سه مسئله مشابه که تمام اکوفمینیست‌ها بر آن‌ها تاکید دارند، پیش روییم. به گفته‌ی هنشال که یکی از نظریه پردازان اکوفمینیستی به شمار می‌رود «تمام اکوفمینیست‌ها بر سه مسئله مشابه تاکید دارند: ۱. روابط زنان با طبیعت ۲. ارتباط بین سلطه بر زن و سلطه بر طبیعت ۳. نقش زنان در حل مشکلات اکولوژیکی» (هنشال، ۱۳۸۵: ۱).

#### ۳-۳-۱ ارتباط بین سلطه بر زن و طبیعت

به طور کلی تعداد شخصیت‌های زن در داستان‌های احمد محمود کم نیست اما در اکثر داستان‌ها زنان شخصیت اصلی و محوری نیستند. شاید یکی از دلایل این موضوع غلبه‌ی هنجارهای حاکم بر جامعه‌ی سنتی و مردسالار باشد که سبب جلوگیری از ظهور و بروز شخصیت زن در جامعه و همچنین قرار گرفتن در داستان‌ها شده است. با وجود این

«محمود در برخی از داستانهای کوتاه خود که بر آن است تا شخصیت زن را برجسته کند و او را به عنوان شخصیت اصلی داستان و نماینده‌ی یک طبقه اجتماعی در بستر رخدادهای داستان قرار دهد، یک یا چند شخصیت مرد داستان را از چرخه‌ی رویدادهای قصه کنار میگذارد تا زنان داستانهایش را از انسانهای معمولی به سطح انسانهای مسئله دار برساند» (پویان، ۱۳۸۹: ۲).

در داستان شهر کوچک ما، با شخصیت آفاق مواجهیم. شغل آفاق برآمده از وضعیت اقتصادی و ساختار جنوب ایران است که باعث شد تا او از لحاظ جانی و مالی امنیت نداشته باشد و سرانجام جان خود را بر سر همین شغل از دست دهد. بیشتر فعالیت آفاق لب رودخانه واقع در پشت نخلستان است. با قطع شدن نخل‌ها و از بین رفتن نخلستان، آفاق نیز به نوعی شغل خود را از دست می‌دهد:

«... و آفاق بود که میگفت خدا ذلیلشون کنه... دیگه پناهی نداریم... که نخلها را بریده بودند و شاخه‌ها را پر کرده بودند...» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۱۲)

در بخشی از داستان با صحنه‌ای مواجهیم که شب هنگام شیخ شعیب با اسب وارد خانه میشود تا آفاق را با خود به قرارگاهشان ببرد که سر انجام آفاق در آن شب به قتل میرسد:

«... و آفاق که پناهگاه نخلستان را از دست داده بود، تو خانه نشسته بود، تا آن شب، که بوی زمستان میداد، که لته‌های در شکسته و بست خورده‌ی خانه‌ی ما ناله کرد و لنگه‌هاش از هم باز شد و شیخ شعیب با اسب راند تو خانه ... بعد آفاق چادر را دور کمر سفت کرد و موی نرم شبق مانندش را جمع و جور کرد تو لچک و همراه شیخ شعیب از خانه بیرون زد.» (همان: ۱۱۴)

در اینجا ما با دو جنس ضعیف مواجهیم که تحت سلطه و زور و بهره‌کشی جنسی قوی تر قرار دارند. این سلطه و بهره‌کشی میتواند حاصل وجود تقابل‌های دوگانه باشد. این الگوهای دوگانه باعث تثبیت اغلب تخریبها و بهره‌کشی‌های انسان از طبیعت است. همانطور که دریدا میگوید «درون چنین ساختارهایی که مبتنی بر گروه‌های دوتایی هستند، همواره به یک جز از این تقابل، ارزش فرهنگی بیشتری داده میشود؛ یک جز مثبت تلقی میشود و دیگری منفی. در متافیزیک غرب اصطلاح اول بر اصطلاح دوم برتری دارد.» (کلیگز، ۱۳۹۴: ۸۲) نمونه‌های تقابل‌های دوگانه این موارد هستند: مرد/زن، فرهنگ/طبیعت، عقل/احساس و ...

در این داستان آفاق زنی بدون پشتوانه است که مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرد و دغدغه‌های او جدا از همسر و فرزندان است. همسر او فردی معتاد است «خواج توفیق نشسته بود کنار بساط تریاک. غروب که شده بود... مثل همیشه؛ نشسته بود کنار منقل و با زغالهای نیمه افروخته ور میرفت...» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۰۸) با وجود این شرایط، آفاق مجبور بود تا تن به کار قاچاق پارچه دهد. که این کار ساعتی از شبانه روز نمی‌شناخت. همچنین به دلیل فقر، علت تاخیر و غیبت او در خانه توسط راوی کشف می‌شود: «آفاق را می‌دیدم که پیراهن وال سیاه تنش را قالب گرفته بود و راه که میرفت سرینش می‌لرزید و مویش رها شده بود رو دوشش و صدای شیخ شعیب بود که (صدو بیست و دو قواره)... شب بود که دانستم چرا گاهی شب‌ها آفاق دیر می‌آید و چرا گاهی نمی‌آید» (همان: ۱۱۱)

در قسمتی از داستان مرگ آفاق و اتفاقات شوم پس از آن و از بین رفتن نخلستان و اتفاقات ناگوار پس از آن در یک صحنه بیان می‌شود: «خانه‌ی ما پر شده بود آدم و زن‌ها نشسته بودند دور جسد آفاق و به سر و سینه می‌کوفتند. حالا آفتاب آمده بود بالا. سایه‌ی دگل میدانگاهی شکسته بود رو چینه‌ی خانه‌ی ما و بعد شکسته بود رو سر جماعت و انتهایش افتاده بود رو علفهای خودروی گودال وسط خانه و صدای دستگاه مخلوط کننده بود که گاه اوج میگرفت و گاه فرو می‌افتاد» (همان: ۱۲۰) در این قسمت سایه‌ی دگل در واقع همان سایه‌ی شوم قدرت سلطه است که تمامی ابعاد زندگی را دربرگرفت. این قسمت که در قسمت‌های پایانی داستان بیان می‌شود محمود با به تصویر کشیدن صحنه‌ی مرگ آفاق و پیروزی سلطه و نتیجه بهره‌کشی مرد از زن، همزمان صحنه‌ی مرگ و نابودی طبیعت در اثر سلطه‌ی فرهنگ را به تصویر میکشد. که این بیانگر ویرانی و نابودی جنس ضعیف از لحاظ فرهنگ، در مقابل قدرت‌های پیش روی آنهاست.

#### ۴. انتروپی در داستان

واژه‌ی انتروپی ابتدا در حوزه‌ی علم فیزیک و زیست‌شناسی مطرح شد و بعدها در حوزه‌های مختلف علوم انسانی هم به کار رفت. البته این واژه در هر کدام از این علوم معانی متفاوتی پیدا کرد. «این واژه در زیست‌شناسی به معنی بی‌نظمی تعبیر شده است و در نقد بوم‌گرا که مرتبط با محیط زیست و ادبیات است هم به این معنی به کار می‌رود. هدف از کاربرد این واژه در نقد بوم‌گرا، کندوکاو در ساختار داستان و تغییرات سیر خطی داستان، به وسیله‌ی استفاده‌ی نویسندگان از این موضوع است. بی‌نظمی‌هایی که در داستان اتفاق می‌افتد عموماً از طریق تقابل دو اندیشه‌ی متضاد و یا دو گونه متضاد است که در یک مکان گردآمده‌اند.» (نظری‌داشلی‌برون، ۱۳۹۶: ۶۰)

موقعیت اصلی در داستان شهر کوچک ما، به اصطلاح شهری کوچک، و مردم بی‌بهره از امکانات شهری است. در واقع محیط این شهر مانند محیط‌های روستاییست که عده‌ای با چارپایان رفت و آمد میکنند. و دیوار خانه‌ها از جنس گل هستند؛ میتوان این محیط را محیطی نسبتاً طبیعی در نظر گرفت. موقعیت داستان محلی نفت خیز است که تحت سلطه‌ی نیروهای خارجی و مورد استثمار و استعمار آن‌ها قرار گرفته و تاریخ جریانات این داستان مربوط به دهه پنجاه است که شرکتهای نفتی انگلیسی و آمریکایی در جنوب ایران بی‌وقفه گسترش می‌یافت. که این اتفاق باعث شد تا نام این محیط یادآور مفهومی فرهنگی باشد. بنابر این نه میتوان این داستان را بدون در نظر گرفتن نشانه‌ها و مولفه‌های فرهنگی در نظر گرفت و نه میتوان شرایط اجتماعی داستان را بدون در نظر گرفتن عناصر محیط زیستی جنوب در نظر گرفت. احمد محمود در این داستان تاثیرات متقابل طبیعت و فرهنگ را بیان میکند. این نکته را باید در نظر داشت که «هر گونه تغییر محیط فیزیکی، که بی‌شک به تقابل فرهنگی منجر می‌شود، با هر هدف و انگیزه، حتی با انگیزه توسعه، موجب بی‌نظمی می‌شود» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۸۳) این بی‌نظمی در سراسر این داستان وجود دارد.

بستر و خاستگاه داستان شهر کوچک ما محیط زیست طبیعی است. در این داستان شاهد جدال مردم شهر کوچک نسبت به ورود نشانه‌های مدرنیسم هستیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین نشانه‌ی انتروپی در این داستان رویارویی عوامل سنت و مدرنیته باشد که در سطوح مختلف نمایانگر است. در واقع هجوم و سلطه‌ی صنعت جدید که نشانه‌های تهاجم و استعمار است.

«... دیگر عطر گس نخلستان با بوی شرعی قاطی نبود و سایه‌ی دگل فولادی بلندی که در متن آبی آسمان نشسته بود، رو چینه‌ی گلی خانه ما میشکست و می‌افتاد توی حیاط دنگال و تالب گودال خانه که مخمل قصیلی علفهای خودرو رنگش زده بود، سر میخورد ...» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۰۹)

همچنین در قسمت دیگری از داستان بیان می‌شود که:

«آفتاب که پهن میشد، خنکای صبح را می‌مکید. حالا دیوار آخری شکری رنگی، رودخانه را از ما بریده بود و زخم زرد رنگ میدان نفتی پشت خانه‌های ما سر باز کرده بود و دویده بود توکوپه‌ها و دو رشته لوله قیر اندود، مثل دو مار نر و ماده، از حاشیه انبوه نخلهای دور دست خزیده بود و آمده بود تو میدانگاهی و پایه‌های چوبی مالیده به نفت، مثل چوبه‌های دار...» (همان: ۱۱۲).

همانطور که بیان شد تقابل طبیعت و تکنولوژی و مسایل مربوط به آن در سراسر این داستان دیده میشود. «حقیقت این است که تا زمانیکه این تقابل وجود دارد انسان با مشکل بزرگی روبه روست؛ چرا که نه میتواند مانع حرکت قطار فناوری و صنعت شود و نه میتواند شاهد فریادهای مظلومیت مادر خود (طبیعت) باشد.» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۸۹)

واکنشی که اهالی بومی نسبت به ورود مظاهر تمدن به شهر کوچک از خود نشان می‌دهند، از موارد نقش زمینه در داستان‌های اقلیمی با نگاه بوم‌گرایانه است:

#### ۵. نقش زمینه در داستان

در میان عناصر تشکیل دهنده‌ی یک اثر ادبی، مانند نوع روایت، هسته‌ی اصلی و... در نقد بوم‌گرا عنصر زمینه از

اهمیت خاصی برخوردار است. محیط زیست و طبیعت به عنوان بخشی مهم از زمینه‌ی اثر ادبی مطرح می‌گردد تا کنش دیگر عناصر با آن، ابزار کار منتقد زیست‌بوم گرا قرار گیرد. در طول تاریخ ادبیات دیدگاه‌هایی درمورد مفهوم و دامنه‌ی زمینه مطرح شد به عنوان مثال دیدگاه‌های ارسطو درباره‌ی کاربرد و تعریف زمینه، اما از نظر نقد بوم گرا، در این دیدگاه‌ها ابهاماتی وجود دارد و مورد قبول نیست، زیرا نقد بوم گرا جامعیت و ارزش خاصی برای نقش زمینه در آثار قائل است. در این نقد «تلاش می‌شود که اصطلاح مکان که بیشتر با زمینه و محیط به شکل مترادف به کار می‌رفت، در حد مقوله‌هایی مثل نژاد، طبقه و جنسیت اهمیت پیدا کند. یکی از دلایل توجه به زمینه در نقد بوم گرا این است که این شیوه‌ی جدید را در نقد ادبی با رویکردهای موجود دیگر پیوند زنند. نقد بوم گرا مفهوم زمینه را نه تنها از حد صحنه و مکان فراتر می‌برد بلکه آن را تا حد جهان بسط می‌دهد تا تمامی بوم سپهر را شامل شود. این دیدگاه رابطه‌ی بین نویسندگان متون و جهان را بررسی می‌کند. نقد بوم گرا تلاش میکند نقش زمینه را هم در شکل‌گیری محتوای اثر و هم در فرم آن برجسته تر سازد.» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۵) این نکته را باید در نظر داشت که زمینه مختص حوزه‌ی داستان نویسی نیست؛ از دیدگاه نقد بوم گرا نقش زمینه دامنه‌ی بسیار گسترده‌ای دارد در همه‌ی ژانرهای ادبی قابل بررسی است و هیچ محدودیتی در کاربرد آن وجود ندارد. نویسنده‌ی امریکایی، ادورا ولتی معتقد است: «آنچه موجب میشود داستان به نظر واقعی بیاید مکان است؛ چرا که آداب و رسوم، ارتباطات و احساسات به مکان خاصی تعلق دارند. مکان است که به این پرسش‌ها (در طرح داستان) پاسخ میدهد: چه اتفاقی افتاد؟ چه کسی اینجاست؟ چه کسی دارد می‌آید؟ مکان ذهن و حافظه‌ی انسان را شکل می‌دهد. مطابق این سخن ولتی اگر زمینه و مکان در شکل‌گیری شخصیت‌ها و وقوع حوادث تأثیری عمیق و تعیین کننده بر جا نگذارد، دست کم بر نتیجه‌ی آنها موثر واقع می‌شود.» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

انعکاس زمینه و تجربه‌ی شخصی نویسنده در این داستان آشکار است. احمد محمود در اهواز رشد کرده و با جنبه‌های مختلف زیست محیطی این منطقه آشناست. در این داستان توصیف‌های دقیق و واقع‌گرایانه از محیط جنوب کشور حاکی از تجربه‌های اوست. در این قسمت به روابط زمینه و زبان داستان، زمینه و شخصیت پردازی و زمینه و صور خیال در این داستان می‌پردازیم:

## ۱-۵- زمینه و زبان داستان ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

گفتگوی شخصیت‌ها و نوع روایت این داستان به زبان معیار است. اما در این داستان توسط راوی اصطلاحات خاصی بیان می‌شود که به داستان رنگ بومی می‌بخشد و همچنین نوع نگرش شخصیت‌ها را بیان می‌کند:

« آن شب بود که تو پوسته نشسته بودم و گوشم را به زمین چسبانده بودم... مد بود، آب آمده بود بالا و « تشاله » می‌توانست که از رودخانه بلغزد تو شاخه و براند تا عمق نخل‌ها » (محمود، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

در جنوب پوسته به معنای پناهگاه قایق و تشاله نیز نوعی قایق است.

«...و من کنار مادرم نشسته بودم و رنگینک می‌خورم...» (همان: ۱۰۸)

رنگینک نوعی دسر جنوبیست.

دولخ که می‌شد خاک زرد را لوله می‌کرد و به هوا می‌برد و به سر و رومان میریخت (همان: ۱۱۲).

دولخ به معنای گردو غبار است.

## ۲-۵- زمینه و شخصیت پردازی

شرایط اقلیمی و محیط زیست هر منطقه بر ویژگی‌های روحی و جسمی مردم آن منطقه تأثیر گذار است به عنوان نمونه از روزگاران گذشته تا معاصر، محیط جنوب کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی و طبیعی و منابع موجود در آن همواره مورد تجاوز دشمنان قرار داشته است. این فضا و زمینه باعث تقویت حس غیرت و مجاهدت میان مردم جنوب در دفاع از وطن خود شده است. در این داستان نیز دفاع و دلاوری مردم این خطه در مقابل تجاوز نیروهای خارجی جهت تسلط بر منابع نفتی این نمایان است:



«... از موسی شنیده بودم که هرکس به خونه‌های ما چپ نیگا بکنه، حواله ش با این کارده. هر دفعه هم چشم‌هاش برق زده بود و مشت‌های کارد را فشرده بود...» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۱۳)

«جلو نیمتنه اش را کنار زد و کاردش را کمر بیرون کشید... اول از همه سر اون فرنگی رو من گوش تا گوش میبرم... من کجا برم زندگی کنم؟» (همان: ۱۱۶)

علاوه بر ویژه‌های روحی و نوع رفتار، محیط زیست بر ویژگی‌های چهره و لباس نیز تاثیر گذار است. در این قسمت از داستان با چهره‌ی آفتاب سوخته‌ی شیخ شعیب مواجهیم:

« شیخ شعیب از لای لنگه‌های بیقواره‌ی در خانه سرید تو و پیشتر که آمد نور زرد لامپا با پوست سوخته‌ی چهره اش در هم شد...» (همان: ۱۰۹)

در مورد تاثیر زمینه و نوع پوشش این نکته را باید مد نظر داشت که نوع و جنس لباس هر منطقه با ویژگی‌های زیست محیطی آن منطقه هماهنگی دارد. احمد محمود در این داستان چندین بار به جنس لباس آفاق اشاره کرده است:

«... و نشست و با سراسپین وال چرک مرده، عرق را از پیشانی گرفت...» (همان: ۱۰۸)

« آفاق را می‌دیدم که پیراهن وال سیاه تنش را قالب گرفته بود...» (همان: ۱۱۱)

پارچه‌ی وال جنس بسیار نرم، خنک و سبکی دارد و مناسب پوشش مردم مناطق جنوب است.

همچنین در قسمت دیگری از داستان به مقنعه و عبای آفاق اشاره میشود:

«... آفاق آمد. عبا را و مقنعه را انداخت رو جاجیم...» (همان: ۱۰۸)

عبا از انواع پوشش در کشور عراق است همانطور که ابن حوقل در قسمت ویژگی‌های مردم جنوب بیان میکند که: «جامه‌ی ایشان جامه‌ی مردم عراق است از قبیل پیراهن، طیلسان و عمامه، و برخی از مردم به ندرت ازار و چادر» (حوقل، ۱۳۶۶: ۲۶).

### ۳-۵ زمینه و صورخیال

« معمولا در آثار برجسته انتخاب مشبه به و مستعارمنه که بیانگر فضای ذهنی نویسنده است با محیط تناسب دارد. طبیعت و عناصر آن نه تنها تشکیل دهنده فضای عینی داستان (فضایی که نویسنده به توصیف آن میردازد) است، بلکه کم کم فضای ذهنی نویسنده را تحت شعاع قرار میدهد.» (پارساپور: ۱۳۹۲، ۱۲۰) تشبیهات و استعارات و نمادهای به کار رفته در این داستان مرتبط با محیط جنوب کشور است به عنوان مثال مشبه به در تشبیه زیریکی از نشانه‌های طبیعی محیط جنوب است:

« مردی که قامتش به دار بلند نخل می‌ماند... » (محمود، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

« شاخه‌های آب را که مثل پنجه‌های دراز رودخانه دویده بودند توی گیسوی نخلستان، پر کرده بودند...» (همان: ۱۱۱)

احمد محمود در این داستان از عوامل محیط طبیعی به عنوان نماد نیز استفاده کرده است. که به چند نمونه از آن میردازیم:

#### ۱-۳-۵ نخل

نخل‌ها در این داستان نماد زندگی‌اند؛ با از بین رفتن نخلستان زندگی مردم منطقه نابود می‌شود و همچنین «نخل‌هایی که می‌افتند قربانی شدن طبیعت شکوهمند جنوب را برای شکل‌گیری بهره‌کشی نوین از مردم، به نمایش می‌گذارد.» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۵۶۸)

صد نفر بودند، صد و پنجاه نفر بودند که صبح علی الطلوع آمده بودند با تبرهای سنگین، و غروب که شده بود، انگار پشت خانه‌های ما هرگز نخلستانی نبوده است» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۰۸) در پایان داستان نیز با نابودی خانه‌های مردم منطقه مواجهیم؛ گویی که هیچ خانه‌ای وجود نداشت. «یکهو صدای بولدوزر بلند شد و من دیدم که چینه‌ی گلی خانه‌ی ما به جلو رانده شد، لرزید، از هم پاشید و فروریخت.» (همان: ۱۲۰)

#### ۲-۳-۵ خاک

خاک نماد زایش و پرورش است. اما در این داستان محمود با ویژگی‌های خاک پس از ورود عوامل مدرنیته، وضعیت

بحرانی آن را بیان می‌کند:

«حالا ماسه‌ها نفت را مکیده بودند و زمین خشک شده بود و باد که می‌آمد، خاک زرد میدانگاهی را بالا میبرد و پخش میکرد و پای دیوارها و چینه‌های گلی، خاک قهوه‌ای جمع شده بود و مد که میشد و آب می‌افتاد تو شاخه‌های نخلستان، سطح آب، انگار که رنگین کمان، بنفش میشد و زرد و قرمز و ...» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

### ۳-۳-۵ لانه کبوتر

لانه کبوتران در این داستان نمادی از که آرزوهای نوجوانانی امثال راوی است که با هجوم استعمار نابود میشوند» هنگامیکه خانه پدری پسرک راوی ویران میشود، کبوترخانه‌های او نیز از بین می‌روند و این رمزی است از ویران شدن دل‌بستگی‌ها مالوف. (دستغیب، ۱۳۷۸: ۷۳): «هنوز از در خانه بیرون نرانده بودم که لانه‌ی کبوترها مثل حباب کف صابون رو تیغی صاف و براق بولدوزر از هم پاشید» (محمود، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با محوریت رابطه‌ی محیط زیست و ادبیات به تحلیل داستان شهر کوچک ما از احمد محمود پرداخته است. احمد محمود در این داستان تاکید می‌کند که استعمار و استثمار منابع طبیعی و به زنجیر کشیدن اعضای جامعه به طور همزمان انجام می‌شود. مهم‌ترین دیدگاه احمد محمود در داستان شهر کوچک ما به گونه‌ای است که انسان را جزئی از محیط زیست می‌داند. او به اخلاق زیست محیطی توجه می‌کند و برای حیوانات نیز حقوقی قائل و این دیدگاه او طبق دیدگاه وظیفه‌گروانه تام ریگان است. همچنین شگردهای او جهت ترغیب انسان‌ها به رعایت اخلاق حیوانات بیشتر از جنس شگردهای احساسی و اقلانیت است. در این داستان زن و محیط زیست با هم رابطه‌ی مستقیم دارند؛ هر چقدر طبیعت و منابع طبیعی به سوی نابودی گراید به همان میزان زن نیز آسیب پذیرتر می‌شود. از میان مسائل مشابه که اکثر اکوفمنیست‌ها بر آن تاکید می‌کنند مسئله‌ی ارتباط بین سلطه بر زن و طبیعت نمود بیشتری دارد. در این داستان تقابل طبیعت و فرهنگ به خوبی نمایان است که این مورد، سبب ایجاد اتروپی در متن روایت شده است. به طور کلی محیط زیست احمد محمود در آفرینش طرح این داستان تاثیر گذاشته زیرا محمود پرورده اقلیم جنوب کشور است؛ و طرح اصلی داستان را از زیست‌بوم خود وام گرفته است. نقش زیست بوم محمود در بخش‌های مختلف زمینه‌ی داستان پر رنگ است. نشانه‌های زیست محیطی در زبان داستان، صور خیال و شخصیت‌پردازی‌های موجود در داستان نقش مهمی ایفا می‌کند. با این‌که گفتگوی شخصیت‌ها به زبان معیار است اما وجود اصطلاحاتی در متن روایت، به داستان رنگ بومی می‌بخشد. شرایط زیست محیطی جنوب کشور بر خصوصیات اخلاقی و جسمانی مردم منطقه تاثیر گذاشته و این مورد در داستان نمایان است. تشبیهات و نمادهای به کار رفته در این داستان یاد آور نشانه‌های زیست محیطی جنوب کشور است.

### منابع

- ابن حوقل. *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)* ترجمه و توضیح: جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- پارساپور، زهرا؛ *نقد بوم‌گرا (ادبیات و محیط زیست)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
- پارساپور، زهرا؛ *ادبیات سبز- مجموعه مقالات در نقد بوم‌گرایانه ادبیات فارسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
- پویان، مجید؛ *بررسی جایگاه زنان در داستانهای کوتاه احمد محمود*. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان سال ۸ شماره ۳، ۱۳۸۹؛ صص ۳۹-۵۸.
- جاهد، محسن؛ *اخلاق حیوانات: رویکردها و نظریه‌ها*. فصلنامه اخلاق زیستی، شماره دهم، ۱۳۹۲.
- دستغیب، عبدالعلی؛ *نقد آثار احمد محمود*. تهران: معین.

ریگی، کیت؛ **نقد بوم‌گرا**. مترجمان عبدالله نوروزی، حسین فتحعلی. گردآوری: زهرا پارساپور. درباره نقد بوم‌گرا، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.

عابدی سروسنتانی، احمد. منصور شاه ولی. سید مصطفی محقق داماد؛ **مبانی و رهیافت‌های اخلاق زیست محیطی**. موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: ۱۳۹۱.

کلیگز، مری؛ **درسنامه نظریه ادبی**. مترجمان: جلال سخنور، الیه دهنوی، سعید سبزیان م. چاپ دوم، تهران: نشر اختران، ۱۳۹۴.

محمود، احمد؛ **غریبه‌ها و پسرک بومی**. تهران: معین، ۱۳۹۸.

میرشکارطویل، آناهیتا. (۱۳۹۶). **رویکرد زنانه به محیط زیست**. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

میرعابدینی، حسن؛ **صد سال داستان نویسی ایران**. جلد اول و دوم. تهران. چشمه، ۱۳۸۰.

نظری داشلی برون، سلیمان. (۱۳۹۶) **تحلیل داستانهای نادر ابراهیمی بر اساس نظریه نقد زیست بوم‌گرا**. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). رفسنجان: دانشگاه ولی عصر.

Francione, Gary L. **Animal Rights Theory and Utilitarianism: Relative Normative Guidance**. Between the Species III August, 2003.

Heise, Ursula K. **Futures of Comparative Literature**. ACLA State of the Discipline Report. London: 2017.

Madsen, Peter. **Deep ecology**. encyclopaedia Britannica: 2016.

Tošić, Jelica. **Ecocriticism - interdisciplinary study of literature and environment**. FACTA UNIVERSITATIS Series: Working and Living Environmental Protection. 2006, pp43-50.

Warren, K.J. **Feminist Theory: Ecofeminist and Cultural Feminist**. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences. 2001. Pages 5495-5499



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)